

تاریخ ارسال به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۲۸ / ۲ / ۲۰۱۲)

(۱۱)

اپریل ۱۹۹۶

عهد نمی بندم...

کوکب اقبال من تابد بر بامی دگر
ساقی سیمین تنم ریخت می در جامی دگر
تا به کی چشم برای بازگشت اش مانند براه
لحظه ها را می شمارم صبح و شامی دگر
ای شب هجران تاکی زجر و ظلمت سردهی
ای نسیم پر عطوفت رخ نما باری دگر
می زند بر سر هوای سرو خوبانم بسی
می رود دل از پی جانم بر دیاری دگر
قاصد! باد صباح از من به خوبانم بگوی
جز رخ لاله ات گل نیست به گلزاری دگر
تا رسد جانم به جانان می رود جان از بدن
جهانم گم کرده ام کی یابم جانی دگر
عمریست پیموده ام راه پر پیچ فراق
از فراقش سوختم نیست درمانی دگر
عقده ها بر دل گره خورده ز جور روزگار
میکشم فریادها از درد و حرمانی دگر
می درخشد موج اشک بر دیدگان انتظار
بحر چشم توفانی شد ریزد بارانی دگر
درافت و خیز زمانه ، یاران ترکم نمود
عهد نمی بندم به دوست سست پیمانی دگر

☆ * * ☆

به : نویسنده شهیر ایران (محمود گودرزی)
 برادر زنده یاد ، بزرگوار و اندیشمندم که با
 شهپر مرثیه نتوان از کوهواره اندوهش
 گذشت .

در رثای محمود گودرزی

ایرل ۲۰۰۵

قلب ها تپید، دل و دیده ها گریست
 به سوگ مرد اندیشمند گودرزی
 هزار ورق فرسود و خامه ها بسود
 نتوان بر شمرد صفات گودرزی
 قلم اش بود مدافع مظلومان جهان
 به هرسو تاخت رخس فهم گودرزی
 بود اهل قلم پیشتاز و دانشور
 آذین صفحه "شهروند" مضمون گودرزی
 نژاد مادر دوران چنین فرزندی
 فرمند و شکوهمند، فرهیخته گودرزی
 به درد نا علا جش چاره ای نبود
 ورنه هریک بودیم جانثار گودرزی
 تو ای گردون که بیدادگریست پیشه ات
 گرفتی از ما مشعل رخشان گودرزی
 تا واپسین دم بذر وفاق بکاشت
 مستحکم باد بنیاد پرثمر گودرزی

